ادامه از صفحه اول

کارآفرینی به جای امیدواری به شغل دولتی

درنهایت برخی نهادهای دولتی همچون معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری به‌درستی رویکرد همراهی را پیشه کردند.

خلاصه موج کارآفرینی هر روز ابعاد بزرگ‌تر و قوی‌تری به خود می‌گیرد. این موج گسترده کارآفرینی، تقریبا به وسعت ایران پراکنده شده است و ده‌ها هزار جوان خوش‌فکر و نوآور، آن را پیش می‌برند. این موج مردمی، که خود پیش‌برنده و خود تقویت‌شونده است، همچنان یک گمشده بزرگ دارد؛ این گمشده، پیوند عمیق با عقبه علمی، پژوهشی و فناورانه کشور است. بدنه اصلی این موج خلاق را جوانانی تشکیل می‌دهند که متخصص یا علاقه‌مند به فناوری اطلاعات هستند و تلاش می‌کنند تا فقط با اتکا به ظرفیت تخصصی خودشان و اطرافیان‌شان، فرصت‌های کارآفرینانه موجود در بازار ایران را شناسایی و دنبال کنند.

بنابراین، کمتر دیده شده این نگاه کارآفرینی با پشتوانه پژوهشی مستحکمی در حوزه‌های مختلف فناوری همچون شیمی، متالورژی، مکانیک و ... همراه باشد. اما بسیاری از فرصت‌های کارآفرینانه در اقتصاد امروز، دانش‌بنیان و فناوری‌بنیان هستند و بدون پشتوانه استوار پژوهشی نمی‌توان از آنها بهره برد و در نبود پشتوانه ژرف پژوهشی، این کارآفرینان به‌ناچار به نوآوری در مدل کسب‌وکار و برخی فرصت‌های کوچک‌تر بسنده کرده‌اند. می‌دانیم دست کشور در حوزه پژوهش و فناوری خالی نیست. دولت بیش از دو دهه در ساختن و برکشیدن ظرفیت‌های علمی، پژوهشی و فناورانه سرمایه‌گذاری کرده و دستاوردهایی هم داشته است. شکل‌گیری و گسترش قابل‌توجه دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، فقط یکی از خروجی‌های این سیاست است. افزایش آمار تولیدات علمی کشور (مقالات منتشرشده در ژورنال‌های معتبر بین‌المللی) هم نشانه دیگری از این حرکت است. اما این جهش علمی هم یک گمشده کلیدی داشته و دارد: پیوندنداشتن با فرصت‌های کارآفرینانه و واقعیت‌های بازار ایران.

این گمشده ریشه در ماهیت کاملا دولتی فضای علمی و پژوهشی کشور دارد. به همین دلیل توفیقات علمی کشور نتوانسته آن‌گونه‌که باید با اقتصاد ایران پیوند برقرار کند. به عبارت دیگر، تا به امروز، بیشتر مراکز پژوهشی کشور یا از موج کارآفرینی به‌راه‌افتاده در کشور بی‌خبر بوده‌اند یا جسارت همراه‌شدن با آن را نداشته‌اند. نگاه این مراکز، به درآمدهای نفتی و تصاحب بخشی از آن بوده و ساختار بوروکراتیک و قوانین و ضوابط دست‌وپاگیر حاکم بر این مراکز هم مزید بر علت شده است. به نظر می‌رسد دیر یا زود، این دو جریان مستقل از هم به یکدیگر خواهند رسید و چنین پیوندی برای اقتصاد ایران پربرکت خواهد بود. تیزبینی کارآفرینانه با پشتیبانی پژوهش، فرصت‌های بزرگ اقتصادی را برای شرکت‌های ایرانی خلق خواهد کرد. در آن روز، فرصت‌های بزرگ‌تر در بازارهای داخلی و خارجی هدف قرار خواهند گرفت.

در سایه چنین پیوندی، رخوت و کندی از مراکز پژوهشی زدوده می‌شود و سرمایه‌گذاری چندین‌ساله در علم و پژوهش میوه خواهد داد و طلوع اقتصاد دانش‌بنیان، درون‌زا و برون‌نگر را در ایران شاهد خواهیم بود.

دفاع از حقوق ایران و ایرانی

... «چنین اقدامی غیرسازنده بوده و می‌تواند زمینه اقدام متقابل قانونی را در پی داشته باشد و نه‌تنها امنیت را افزایش نخواهد داد بلکه به اقتصاد دو سوی اقیانوس اطلس (آمریکا و اروپا) لطمه خواهد زد»، بیش از پیش بر بی‌اعتباری طرح کنگره افزوده است. دامنه این اعتراضات آنچنان شدید بود که «جان کری»، وزیر امور خارجه آمریکا، اذعان کرده است که واشنگتن از نگرانی رهبران اروپایی آگاه بوده و در حال رایزنی با آنان در این‌خصوص است. بعد از چند روز کشمکش و اختلاف حول طرح جدید کنگره با مذاکرات پشت پرده و مخالفت‌های علنی در سطح وزارت امور خارجه ایران، بالاخره جان کری با ارسال یک نامه رسمی به همتای ایرانی خود قول داده است که این طرح با توجه به قدرت رئیس جمهوری آمریکا جهت تعلیق بخش‌هایی از این قانون، هرگز نافی تعهد برجام و نقض منافع ایران نخواهد بود. هر چند که به لحاظ حقوقی و اخلاقی، صراحت نامه جان کری به میزان زیادی امیدوارکننده است اما تا زمان اعلام مکانیزم قانونی این تعهد نمی‌تواند ضمانت اجرائی لازم را فراهم آورد.

ادامه در صفحه ۸

همکار گرامی جناب آقای دکتر محمد امین صفدری

[illegible]

از طرف همکاران محترم در شرکت [illegible]

افشاگری طیب‌نیا از ریز مخارج دولت‌های نهم و دهم به حساب بخش‌های دیگر اقتصاد

۱۱۴۰ هزار میلیارد تومان در دولت احمدی‌نژاد دود شد

عکس: محمود حسینی/تسنیم

شرق: وزیر اقتصاد و امور دارایی در مراسم تودیع و معارفه مدیرعامل بانک سپه با گذشت بیش از دو سال از عمر دولت یازدهم، از حجم دقیق بدهی‌های دولت پرده برداشت. رقمی که او اعلام کرد مستند بر آماری بود که دفتر تعیین بدهی در خزانه کل کشور ارائه داده بود. به گفته وزیر بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد دلار درآمدهای نفتی داشتیم و حدود صد میلیارد دلار نیز از فروش شرکت‌ها و واگذاری‌ها، منابع مالی برای دولت به وجود آمد. اشاره او به محمود احمدی‌نژاد است که در دولت‌های او کشور با وفور درآمدهای نفتی روبه‌رو بود. این منابع که حدود ۹۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود، معلوم نیست در دولت‌های نهم و دهم صرف چه اموری شده است. اینها تنها درآمد دولت‌های نهم و دهم نیستند. ادامه صحبت‌های طیب‌نیا در این مراسم پرده از هزینه‌های دیگری در این دولت برمی‌دارد که اگرچه جزء درآمدهای دولت نبودند، اما سرنوشتی مانند درآمدهای دولت برای آنها رقم خورد. طیب‌نیا در ادامه از بدهی ۵۴۰ هزار میلیارد تومانی در دولت‌های محمود احمدی‌نژاد خبر می‌دهد: بدهی شرکت‌های دولتی با احتساب بدهی شرکت ملی نفت ۵۴۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده که ۳۸۰ هزار میلیارد تومان آن فقط مربوط به بدهی‌های دولت به سیستم بانکی است. اگر دست‌کم نرخ هزار تومانی را برای نرخ دلار در دولت‌های نهم و دهم در نظر بگیریم، ۸۰۰ هزار میلیارد تومان از محل درآمدهای نفتی و ۱۰۰هزار میلیارد تومان از محل واگذاری‌ها برای دولت قبل به‌دست آمده است به‌جز این، ۵۴۰ هزار میلیارد تومان هم از جیب بانک‌ها برداشته و در کنار این، مطالبات پیمانکاران در بخش‌های مختلف را نپرداخته و صرف اموری کرده که در این هشت سال به رفتارهای پوپولیستی مشهور شده است. این ارقام در مجموع رقمی حدود یک‌هزارو ۴۴۰ هزار میلیارد تومان را برای دولت قبل به ارمغان آورده است. این جمله به این معناست که رئیس دولت‌های نهم و درهم علاوه بر پول‌های هنگفت نفت از هرجا که می‌توانسته برای اهداف دولت خویش صرف کرده است که تا این لحظه هم محل خرج آنها مشخص نیست.

فساد و سیاست‌های بی‌حساب‌وکتاب

مهدی تقوی، اقتصاددان

دو دولت گذشته، گرچه درآمد بالایی داشتند، اما با سیاست‌های غلط اقتصادی، بلایی بر سر اقتصاد کشور آوردند که دولت جدید و چه‌بسا دولت بعدی، فقط باید گرفتاری‌های ایجادشده را رفع و رجوع کنند. چهار سال رشد اقتصادی منفی و تورم ۴۰ درصدی، میراثی برای دولت فعلی به‌جا گذاشته که توان پرداخت یارانه نقدی به مردم را ندارد. دولت قبل، با چاپ پول، کارها را سرهم‌بندی می‌کرد و با وجود درآمدهای هنگفت نفتی و گازی و... نتوانست اقتصاد را به‌گونه‌ای اداره کند که با دارایی موجود، حداکثر نیازهای کشور برطرف شود. اینکه دولت‌های نهم و دهم درآمدهای هنگفت را کجا هزینه کرده‌اند، مسئله‌ای است که باید دیوان محاسبات، به آن پاسخ بدهد و وظیفه دولت بود که ابتدای روی کارآمدن، این اطلاعات را بگیرد و به مردم هم اعلام کند چه چیزی را تحویل گرفته است. آنچه واضح است، اولا سیاست‌های اقتصادی نادرست بوده‌اند، یا نادرست اجرا شده و ثانیا فساد و بی‌حساب‌وکتابی هم زیاد بوده است. حد اعلای آن پرونده متهم نفتی است که در جریان است و مواردی دیگر... . کسی که عقل اقتصادی نداشته باشد، اگر ثروتمند هم باشد زیاد طول نمی‌کشد تا به خاک سیاه بنشیند. دو دولت قبل هم گرفتار همین مسئله بودند درحالی‌که درآمدهای بالایی داشتند، باز هم نتوانستند کشور را درست اداره کنند بدهکاری‌ها هم نشانه همین سیاست‌های غلط و بی‌حساب‌وکتاب‌بودن آنهاست، یعنی دولت هم پول‌های خود را تا ریال آخر خرج کرده و هم پول‌های نداشته را بدون اینکه کاری کند که بازده داشته باشد و بالاخره نفعی برگرداند.

پول‌هایی که از کف رفت

هادی حق‌شناس، کارشناس اقتصادی

بخش عمده‌ای از بدهی دولت، که به یک روایت ۳۸۰ و به روایتی دیگر ۵۴۰هزارمیلیارد تومان عنوان می‌شود ناشی از مطالبات سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری و همچنین پیمانکاران دولتی است. بخشی هم به بدهی دولت از محل برداشت بانک‌ها مربوط می‌شود یا به تسهیلات تکلیفی، که دولت در قالب بودجه سنواتی مصوب کرده، اما سهم خود را نپرداخته است. اینها عمده‌ترین دلایل افزایش بدهی دولت یا به‌عبارتی افزایش مطالبات پیمانکاران و صندوق‌ها و بانک‌ها از دولت است. اما نکته این است که دولت‌های نهم و دهم، صاحب درآمدهایی افسانه‌ای بوده‌اند؛ با درنظر گرفتن درآمد حدود ۸۰۰میلیارد دلاری حاصل از فروش نفت و گاز به‌اضافه درآمدهایی که از محل فروش شرکت‌های دولتی و دیگر منابع درآمدی کسب کرده‌اند، این سؤال کلیدی مطرح می‌شود که این پول‌ها کجا هزینه شده که هم درآمدهای دولت به کلی از کف رفته و هم بدهی سنگینی ۳۸۰ یا ۵۴۰هزارمیلیارد تومانی به‌جا مانده است. می‌توان این نکته را در پاسخ این پرسش اضافه کرد که بخشی از این بدهی‌ها حاصل پروژه‌های نیمه‌کاره‌ای است که در سفرهای استانی دولت کلنگ زده شد، اما عملا به اتمام نرسید. به بهره‌برداری‌نرسیدن پروژه‌های نیمه‌کاره، مانند ماندن پول روی زمین است؛ یعنی درآمدهای هنگفتی صرف اجرای انبوه طرح‌هایی شده که اغلب به بهره‌برداری نرسیده و بدهی‌هایی را نیز به‌جا گذاشته است. بخشی از این پول‌ها هم صرف واردات کالاهای مصرفی هنگفتی شد که هدف از آن کنترل تورم بود. درواقع دولت‌های نهم و دهم با بازکردن دروازه‌های کشور به روی واردات توانست نرخ تورم را از افزایش نجومی نجات دهد. این نکته زمانی که دولت احمدی‌نژاد در آخرین سال خود، با تحریم و در نتیجه با کاهش درآمدهای نفتی مواجه شد و تورم لجام‌گسیخته به حدود ۴۵ درصد رسید. در واقع زمانی این اتفاق افتاد که ورود کالاهای مصرفی به دلیل افت درآمدهای نفتی کاهش پیدا کرد.

تخصیص غیرهوشمندانه، محل هلاک منابع دولتی

حیدر مستخدمین حسینی، کارشناس

بحث ایجاد بدهی دولت از چند منظر قابل بررسی و تحلیل است. بخش اول که عمده‌ترین بخش بدهی‌های دولتی را تشکیل می‌دهد شامل بدهی دولت به بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور بوده و بخش دوم، بدهی به پیمانکاران است. بدهی به نظام بانکی ناشی از چند عامل است؛ یا به انتشار اوراق مشارکت مربوط می‌شود که دولت به دلیل نبود همخوانی بین درآمد و هزینه، منتشر و وجه آن را دریافت کرده است و شبکه بانکی، که بازپرداخت اوراق را تضمین می‌کند، اصل و سود این اوراق را به مردم بازگردانده، درحالی‌که دولت بدهکار باقی مانده است، چراکه دولت‌ها اغلب بانک‌ها را از خود می‌دانسته‌اند و به راحتی دست در جیبشان می‌کردند. بخش دیگر بدهی به نظام بانکی ناشی از خرید تضمینی محصولات کشاورزی است که بانک‌های عامل وجه تضمین‌شده را به امید بازپرداخت دولت به کشاورزان می‌پردازند. شاید هم این بدهی ناشی از دریافت‌هایی باشد که دولت، در مواقع محقق‌نشدن درآمدها، مستقیما از بانک مرکزی دریافت می‌کند به امید اینکه درآمدها محقق شوند و پول را بازپرداخت کند. در این موارد بحث این نیست که دولت درآمد دارد یا نه؛ تجربه نشان داده دولت‌ها برای بازپرداخت بدهی شبکه بانکی تعلل کرده و آن را به آینده موکول می‌کنند. بدهی به پیمانکارانی که اکثرا در طرح‌های عمرانی و زیربنایی برای دولت کارکرده‌اند نیز به عنوان یکی دیگر از بخش‌های عمده بدهی دولت‌هاست که به موقع پرداخت نمی‌شود و هرقدر هم در بازپرداخت آن تأخیر شود باز هم به قیمت روزی که بدهی ایجاد شده، پرداخت خواهد شد. حال اینکه چه اتفاقی می‌افتد که در دولتی با درآمدهای هنگفت هم بدهی‌های کلان ایجاد می‌شود، مسئله‌ای است که خود دولت، مسئولان و دستگاه‌های نظارتی باید پاسخ‌گو باشند. البته باید در نظر گرفت که برخی درآمدها، مثلا درآمد حاصل از فروش نفت، مدت‌ها بعد از ایجادشدن وصول می‌شوند، اما به‌هرحال تخصیص غیرهوشمندانه بودجه به مواردی که واقعا نیاز نیست و در نهایت عایدی هم ندارد، محل هلاک منابع دولتی است. وقتی در دولت قبل، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور منحل می‌شود، نظارت به حداقل می‌رسد. در حالی‌که این سازمان بر تخصیص بودجه و شیوه خرج‌شدن آن نظارت داشت، اما بعد از انحلال، ادارات این سازمان در استان‌های مختلف، به معاونت استانداری تبدیل شدند و علاوه بر اینکه نظارت در کلان کشور به حداقل رسید، در استان‌ها هم با انتصاب مقام ناظر از سوی استاندار، عملا مجری و ناظر یکی شدند و مانع نظارت برداشته شد. با این تفاسیر، کار به جایی رسید که هم هدررفت منابع زیاد بود، هم انبوهی از طرح‌های نیمه‌تمام و گاه غیرضروری روی دست کشور ماند و هم مبالغ سنگینی از بدهی ایجاد شد که تاکنون حتی رقم دقیق آن اعلام نشده است.

رئیس مرکز آمار با تأیید رشد منفی بخش صنعت:

رشد اقتصادی بحرانی نیست

عکس: محمود رحیمی مهر

شرق: رئیس مرکز آمار که چندان دل خوشی از اعلام آمارهای تا حدودی با بار منفی ندارد، در آخرین اظهارنظرهای خود گفته: رشد اقتصادی سال ۹۳ را اعلام نکردیم تا تشتت نشود. به گفته عادل آذر، نرخ رشد اقتصادی شش ماهه نخست امسال که عدد اولیه آن یک درصد بود و تقریبا در حال نهایی‌شدن است، حاکی از بحران نیست، ولی رشد صنعت منفی ۱.۲ درصد است. از طرفی او همچنان مصر است که تنها این مرکز است که می‌تواند آمار رسمی را اعلام کند و تأکید کرده طبق لایحه برنامه ششم هم آمار بانک مرکزی باید به تأیید مرکز آمار برسد.

تولید نمی‌تواند هزینه مطامع شهوانی سیاسیون را هم بدهد

محمدرضا مرتضوی، دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران در گفت‌وگو با «شرق» درباره وضعیت کنونی صنعت گفت: اگر بخواهیم نگاهی به مقدورات کشور داشته باشیم بدون اینکه در فضای رویایی سخن گفته باشیم، تقریبا امسال بودجه عمرانی نداشتیم. در واقع منابعی برای هزینه‌کرد در بودجه‌های عمرانی وجود نداشت. از سویی منابعی برای پیوستن به اقتصاد جهانی با کندی پیش می‌رود و علت این کندی نیز به آن برمی‌گردد که خروارها قطع‌نامه در زمان تحریم برای ایران به وجود آمده که لغو آنها زمان می‌برد و پیش‌بینی می‌شود اواخر خردادماه ۹۵ اثرات آن را بتوان مشاهده کرد. مرتضوی با بیان اینکه با این اوصاف رکود در بخش صنعت عجیب نیست، ادامه داد: با توجه به مقدورات اقتصاد پیش‌بینی می‌شد رکود در بخش صنعت ادامه‌دار باشد، اما با وجود اینکه هنوز آثار رکود در بخش‌های مختلف اقتصادی رویت می‌شود، بخش‌های مختلف صنعت توانسته‌اند خود را حفظ کنند و برای دورانی که از رکود خارج شده و به بازار جهانی می‌پیوندیم، آماده شوند. به گفته دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت، اگر سیاست‌مداران، اقتصاد را قربانی مطامع سیاسی خود نکنند ممکن است اقتصاد به حالت عادی برگردد و اثرات آن را در ماه‌های خرداد و تیر ببینیم، اما آنچه دیده می‌شود، آن است که بخش‌های مختلف اقتصاد کشور هنوز مطامع سیاسی خود را به رفاه عمومی، بازگشت اقتصاد به روال عادی و تولید ملی ترجیح می‌دهند، اما اگر چنین نکنند، اقتصاد ایران این ظرفیت را دارد که رفاه عمومی را برای همه مردم ایجاد کند. قطعا بخشی از سیاست‌مداران که در زمان تحریم‌ها، از فضای نامساعد اقتصادی بهره‌های اقتصادی برده‌اند، با بازگشت اقتصاد به حالت عادی مخالفت می‌کنند. مرتضوی با بیان اینکه اگر فضای آرام از نظر دموکراتیک ایجاد شود و از دودستگی‌های سیاسی فارغ شویم و منافع ملی را بر منافع گروهی و جناحی ترجیح دهیم، می‌توانیم به بهبود وضعیت اقتصادی دست یابیم، افزود: اما متأسفانه اکنون اقلیت کمی که صدای بلندی دارند، این آمادگی را دارند که اقتصاد و جامعه را فدای مطامع سیاسی خود کنند. فعالان بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی در این چندسال صبوری به خرج داده‌اند و شرایط را طوری جلو بردیم که بنگاه‌های اقتصادی توانستند در این مدت دوام بیاورند و این بنگاه‌ها می‌توانند در فضای عادی مجددا به فضای اقتصادی بازگشته و به حیات خود ادامه دهند، اما به عقیده من، شرایط سیاسی کنونی داخل کشور بسیار بحرانی‌تر از شرایط اقتصادی است و این مسئله قطعا به اقتصاد آسیب می‌زند. وی اظهار کرد: نمی‌توان با نادیده‌گرفتن بهبود فضای سیاسی خارجی که به کمک وزیر امور خارجه ایجاد شد و مذاکرات هسته‌ای که کمتر از ملی‌شدن صنعت نفت نیست، تنها به این دلیل که ظریف از طیف سیاسی مورد علاقه برخی از این سیاست‌مداران نیست، شرایط اقتصادی را نادیده گرفت. این افراد منافع بزرگی در تسلط بر سیاست دارند، بنابراین آمادگی دارند اقتصاد کشور و تولید ملی را از بین ببرند. این افراد همان کسانی هستند که پیشتر در زمان تحریم‌ها کالاهای چینی وارد کشور می‌کردند و دکل‌هایشان گم می‌شد. مشخص است این افراد علاقه‌ای به منافع ملی ندارند. مدیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت با بیان اینکه بخشی از جامعه علاقه‌ای به زندگی طبقه متوسط، تولید ملی و رفاه عمومی ندارند، اما صدای بلندی دارند، تصریح کرد: افراد گمنامی هستند که اکنون سربرآورده‌اند و در مورد همه چیز نظر می‌دهند و مسئولان را با صفت‌های زشت خطاب می‌کنند. اگر این افراد به فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر تضمین انقلاب با ایجاد طبقه متوسط فرهیخته دانشمند توجهی کنند، می‌توان آینده کشور را بیمه کرد، اما آنها می‌دانند که اولین چیزی که می‌تواند مردم را ناراضی کند، آشفتگی اقتصادی است. هدف این افراد این است که در یک فضای آشفته اقتصادی به زندگی مردم و اقتصاد کشور و تولید ملی آسیب بزنند و می‌دانند که چه می‌کنند. به گفته وی، تولید این آمادگی را دارد که مشکلات خود را حل کند، اما به نقطه‌ای رسیده که دیگر نمی‌تواند هزینه مطامع شهوانی سیاسیون را هم بدهد و بهتر است سیاست‌مداران هم کمی مؤدبانه‌تر به مسائل اقتصادی بپردازند تا شاید در آینده تولید ملی از این وضعیت نابسامان رهایی یابد.

بورس

شاخص کل ۲۲ واحد رشد کرد

آلارم منفی دو وزیر اقتصادی به بازار سرمایه

ابراهیم دیلم . کارشناس بازار سرمایه

● شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران در معاملات دیروز، رشد اندک ۲۲ واحدی را ثبت کرد و به رقم ۶۱هزارو ۴۲۰ واحد رسید. این رشد ناچیز به‌واسطه معاملات بلوکی در بعضی از نمادهایی که اثر بیشتری بر شاخص دارند، روی داده است. شرکت مخابرات ایران با ثبت ۴۶ واحد رشد، بیشترین تأثیر مثبت و شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی با به‌ثبت‌رساندن ۲۰ واحد کاهش، بیشترین اثر منفی را بر شاخص گذاشتند. حجم معاملات همچنان نشان‌دهنده کم‌رونقی بازار بورس بوده و رقم آن در معاملات به ۹۱میلیارد تومان رسیده و مؤید این نکته است که بازار سهام همچنان از روزهای خوشش بسیار فاصله دارد. مهم‌ترین خبری که دیروز در بازار سهام منتشر شده، درباره جلسه دیروز شورای پول و اعتبار بوده که وزیر اقتصاد آب پاکی را روی دست متولیان بازار بورس اوراق بهادار ریخت و این‌طور بیان کرد که نرخ سود بانکی فعلا کاهش نمی‌یابد و دلیل آن را شرایط بازار منابع و وام‌دهی بانک‌ها اعلام کرد زیرا نیاز جامعه به نقدینگی بالا رفته و این درحالی است که اقتصاد کشور با تورم، رشد نرخ ارز و تحریم سیستم بانکی روبه‌رو است. بنابراین در بازار با اضافه تقاضا مواجه‌هستیم، به همین دلیل نمی‌توانیم نرخ سود را کاهش دهیم. از طرفی دیگر در روز گذشته وزیر نفت نیز چهره بسیار غضب‌آلودی به بازار اوراق بهادار از خود نشان داد و گفت خصوصی‌سازی‌های انجام‌شده اشتباه بوده و به بخش خصوصی واقعی واگذار نشده است و اضافه کرد قیمت خوراک گاز را به معاون‌اول رئیس‌جمهور اعلام کرده و منتظر هستند معاون‌اول نظراتشان را بیان و نرخ را اعلام کنند. این خبرها که توسط دو وزارتخانه اقتصادی بیان می‌شود، چندان با بازار سرمایه سازگار نیست و مشخص است که بازار اوراق بهادار نزد وزیران محترم اولویت ندارد، بنابراین ذی‌نفعان بازار سرمایه همچنان نظاره‌گر بازار نفت و نرخ‌های جهانی کالاهای اساسی باشند تا شاید با افزایش نرخ نفت که این روزها به قیمت ۱۱ سال قبل معامله می‌شود و همچنین با رشد نرخ کالاهای اساسی در دنیا بتوان به آینده بازار امیدوار بود، بنابراین در این مقطع هیچ امیدی به رشد بازار سهام نیست.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۶۱۴۲۰.۷	۶.۵۱
شاخص قیمت	۲۳۹۰۹.۵	۲.۶۱
شاخص کل (هم‌وزن)	۹۴۶۷.۵	۲۲.۴۰
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۸۰۳۵.۸	۱۹.۰۰
آزاد شناور	۶۷۰۱۶.۸	-۲۵.۰۱
۵۰ شرکت بزرگ	۲۴۹۹.۵	-۰.۷۰

ارز و سکه

لفظ ۳۶۹۰ تومان برای دلار در بازار

● **شرق:** دلار دوباره خیز برداشت. روز سه‌شنبه آخرین قیمتی که برای دلار در بازار ارز ثبت شد سه‌هزارو ۶۵۵ تومان بود اما در روز چهارشنبه در مسیر صعودی قرار گرفت و تا لحظه‌های پایانی هم همین روند را ادامه داد. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: دلار دیروز دوباره به «های قیمتی» سه هفته پیش رسید. اول صبح این ارز سه‌هزارو ۶۶۰ تومان قیمت خورد که نسبت به آخر وقت بازار سه‌شنبه پنج تومان بالاتر بود. در ادامه معاملات دلار خیز برداشت و تا سه‌هزارو ۶۷۲ تومان هم پیش رفت و تا آخر وقت بازار هم با همین قیمت معامله شد. اما بازاریان از لفظ سه‌هزارو ۶۹۰ تومان برای دلار هم سخن می‌گفتند که با این قیمت دلار معامله شده است. هر سکه طرح جدید هم ابتدای صبح ۹۲۳ هزار تومان قیمت‌گذاری شد اما آخر وقت بازار قیمت این سکه تا ۹۲۹ هزار تومان افزایش یافت. سکه با این نوسان‌ها چهار هزار تومان حباب مثبت به خود گرفت. اونس جهانی طلا هم با نزدیک‌شدن به پایان سال میلادی نوسان‌هایی بین پنج تا ۱۰ دلار دارد که بیشتر هیجانی است. دیروز و هم‌زمان با بازار تهران هر اونس طلا با طی‌کردن نوسان کم، بر هزارو ۷۱ دلار ایستاد.

ارز *	قیمت (تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۶۷۲	+۱۷
یورو	۴۰۱۵	+۲۸
پوند	۵۴۵۵	+۱۰
درهم	۱۰۰۲	+۵

طلا و سکه *	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۲۹۰۰۰	+۳۵۰۰
طرح قدیم	۹۲۸۰۰۰	+۴۰۰۰
نیم	۴۶۸۰۰۰	+۲۰۰۰
ربع	۲۶۲۰۰۰	+۲۰۰۰
گرمی	۱۶۸۰۰۰	-۱۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۹۴۴۷۰	+۲۳۰
اونس * (دلار)	۱۰۶۹	-۷